

به مناسبت پنجمین سال نمایشگاه انجمن مجسمه سازان ایران

فرزند اساطیر ایران در خانه هنر مندان

بیستودوم تیرماه ۱۳۹۷ پنجمین سال نمایشگاه انجمن مجسمه سازان ایران در خانه هنر مندان با شرکت بیش از ۱۰۰ مجسمه ساز به همت انجمن مجسمه سازان ایران برگزار شد. به دلیل اهمیت، وسعت و کثرت آثار با تمدنی از هنر مندان گپ و گفت گویان داشتیم تا نظرها را دربار اهمیت چنین نمایشگاهی جویا شویم. میان بازدید کنندگان حضور استاد ابوالقاسم اسماعیل پور، مدرس دانشگاه و یکی از بزرگترین اسطوره شناسان حاضر در جهان فرصتی بود تا درباره نمایشگاه هنرهای تجسمی ایران با ایشان گپ کوتاهی داشته باشیم. شایان ذکر است به زودی گفت و گوی مفصل «سلامت» را با ایشان خواهید خواند.

جناب دکتر اسماعیل پور شما از نمایشگاه بازدید کردید، سوال من این است که اسطوره ها چه نقش و تأثیری در هنرهای تجسمی معاصر ایران دارند؟
 اسطوره از زمانهای خیلی قدیم جبهه مجسمه و نقاشی داشته است. این گونه نبوده که تنها باید نوشته شده باشد چون فکر نمیکنند. اسطورهها مکتوب بوده، این اسطوره بعدها به نوشته درمی آید. پیوسته غازی ۱۷ هزار ساله به نام «لاسکاو» در فرانسه کشف می شود. روری دیوار غار انسان ماقبل تاریخ نقاشیهای کنده شده که جنبه اسطوره ای دارد. یعنی انسان نخستین بار به ماوراءالطبیعه اشاره می کند. در گذشتههای تاریخی اسطورهها به صورت نقاشی، مجسمهها و نقش برجستهها ظاهر می شود. مثلاً در یونان باستان که مجسمه سازی آزادتر است، بیشتر اسطورههای یونانی رومی مثل میداگان آتش، باد آب و... در قالب مجسمه شکل می گرفت یا از طبیعت خود می چینه شد. در دوران باستان می گفتند این خدای توفان که نام می برید، کجاست و چه شکلی است؟ ما می بینیم. به همین خاطر شما خداگان را مجسم می بینید. قالب اینکه تمام مجسمه های یافته شده در موزه و یونان برهنه بوده اند و زندگی و طبیعت مختلفی در آن از نشان می دادند.

بنابراین هنرهای تجسمی ریشه اسطوره ای دارند.
 بله دارد. اسطوره ای بودن بزرگ شده بزرگترین اسطوره که اینی و تقاسم یافته طبیعی بوده همین گاو است. در میراث ایران قدیم خورشید در حال قربانی کردن گاو است. مجسمهها سفید وجود دارد موضوع قابل توجه این است که شما نام هنر مندان سازنده این آثاری که به شکل نقاشی و مجسمه پیدا شده اند نمی بینید. نامش مهم نبوده، اثرش مهم بوده و این هستی شناسی مهم است. شما مشاهده می کنید هنرهای اساطیری مثل مشخص نیست. یعنی منتهی در آن نیست، مثل امروز امضا دار نیست. در ایران اساطیر تجریدی و تخلیمی می شود، بنابراین نسبت به یونان باستان نام چیزهای مهم داریم. بایا مال مجسمه هوا و امواد می بریزد و در اطراف پستان کار میماند داریم. البته نقش و مجسمه سازی روی دیواره کوه که دارد فرود می آید و با پادشاه اساطیری اطفا می کند و پشت سرش میراث خدایان است. اینها خورشید پستانه است. بنابراین شما پیوند عمیقی بین اسطوره و هنر و به طور خاص با هنرهای تجسمی شاهد هستید. سابقه هنر تجسمی بسیار بیشتر از هنر نوشتاری است. در سیبک کاشان کوزههایی نقاشی شده داریم که به ۸ هزار سال پیش تعلق دارد. این موضوع نشان می دهد بشر کنار خوراکی و دیگر مایحتاج زندگی، انگار به یک هنر یا خفای معنوی هم نیاز داشته است. اینها جلوه های اسطوره و هنرهای تجسمی است. اسطوره از ابتدا با انسان عین شده. اسطوره داستان مقدسی بوده که انسان اولیه به آن اعتقاد داشته. وقتی می گوید اسطوره گاو یا قربانی گاو که در ایران و هند و مصر و... وجود دارد، معنی گاو است که قربانش هستی در آن وجود دارد و شکل گرفته است. چون انسان اولیه تمام هستی و زندگی اش از گاو بوده، وجود گاو یعنی زندگی و بقا، مثل شیر، پنیر، پوست، گوشت و... ششم زدن زمین، گاوها و توسعه کشاورزی، حمل بار با گاو، استفاده از گود این حیوان و... برای همین هم اسطوره می شود.

نقوات اسطوره و آسانه در چیست؟
 در افسانه اعتقادی وجود ندارد. مثل افسانه زرد پری یا حسین گرد سبستی. افسانهها محبوب هستند اما اسطورهها با اعتقادات بشر و آن اینها همی که یا آن زندگی می کند در ارتباط است.
کلمه گاو در کجا ریشه دارد؟
 گاو به معنای هستی است. از ریشه کوه، لغت هندی - سانسکریت است. کوه یعنی هستی که در فارسی شده گاو. پس گاو یعنی هستی و در واقع هستی نمیشد بشر. زندگی و نیازهای بشر در گاو خلاصه می شده است. سه طبیعی است که



هزاران هزار مجسمه گاو از دوران باستان گرفته تا امروز در همه جا دیده می شود. امروز بین انواع دامداری، بزرگترین دامداری بشر بر مدار گاو شکل گرفته.
مجسمه گاو امشالم هم در دوره باستان ایران کارایی بسیار داشته.

دقیقاً آنجا هم جنبه های آیینی مربوط به گاو با زندگی مردم عین شده. این مجسمهها صرفاً برای تزئین یا هنر ساخته نشده تا مثلاً مثل امروز نمونه اش را در نمایشگاه خانه هنر مندان ببینیم. **در گذشته این اشیاء و مجسمه های گاو یا شباق و لیوان و کوزه و... با همه زیبایی و هنر نمایی، جنبه های کاربردی هم در زندگی داشته است.** یعنی در آن آب نگهداری می شد. از آن جام زربین یا لیوان طلائی برای خوردن آب استفاده می شد. در تپه مارلیک اشیائی بغایت ظریف و زیبا به دست آمده که در زندگی روزانه مردم استفاده می شد. برای اینکه هنر اینداری نمایشگاه گذاشتن نبوده، بلکه در مرحله اول در ارتباط با نیازهای اولیه می چینه شد. در دوران باستان می گفتند این خدای که ساخته، سعی کرده مثلاً شاخ گاو هم به آن اضافه کند تا زیبایی هم به آن افزوده باشد. وسایل زندگی را با عبق و زیبایی می ساختند و اینها را نمودی از ماوراءالطبیعی می دانستند، یعنی فکر می کردند انسان نماینده یک زیبایی است. پس تمام نیاز مندیهایش هم زیبایی است.
شما در این نمایشگاه چیزی به نام حضور اساطیر در مجسمه ها می بینید؟
 در بعضی از کارها دیده می شود. در هنر پیامداری دیگر نیازی نیست که همان کتله های باستانی و اسطوره را چند یکبار تکرار کنیم. **اسطوره ها امروز و معاصر خودمان را بسازیم.** اسطوره های عصر جدید را بسازیم. بنابراین بعضی از این آثار نشان از اسطوره های نو دارد. یعنی خلاقیت هنر مند ما است. باید بهر گیری از تم های اساطیری که، بتواند اسطوره های خود را بسازد. من در کارهای اسطوره شناسی به دانشجویم تاکید می کنم که اسطوره پرداز نیست، اسطوره سازی کنید. مثالی می زنم؛ شما در هنر جدید می تواید از نقش برهنه های تخت جمشید تقلید بکنید و چیزی بسازید آن را مدن زرد بسازید. این می شود اسطوره پرداز. در واقع شما یک اسطوره باستانی را نو کرده اید. حکاکی کرده اید. این می شود شیبه سازی. اما اسطوره سازی آن چیزی است که در ادبیات مدرن ما اتفاق افتاد. مثل شعرهای



نیما، در شعر ققنوس نیما، آن ققنوس، ققنوس باستانی نیست. نیما اسطوره سازی می کند. اسطوره های زمانه خودش را می سازد. در این نمایشگاه کمپاشی چیزهایی به چشم می خورد ولی اغلب با اضافه کردن شاخ و پاندیکل شدن بدن گاو خاسته اند. به اسطوره نزدیک شوند که از نظر من برای تمرین بد نیست اما بیشتر تقلید است. ساختن اسطوره های جدید بیشتر آشنایی و مطالعه دقیق در تمام آثار باستانی و اسطوره ای است. به ویژه اسطوره های ایرانی که حرف برای خود دارد. ما به جای اینکه این همه از هنر غرب حرف بزنیم و تقلید کنیم، باید به اسطوره های خودمان توجه کنیم. می توان از دل دقت و ظرافتی که در ادبیات و هنر کهن ما وجود دارد، شاهکارهایی خلق کرد. بنابراین هنرهای پیش از این است که ریشه در آب و خاک فرهنگی خودش داشته باشد. اگر ریشه های شرق - ایرانی بستر هنر مندان و شاعران و نویسندگان ما باشد، البته ما به استفاده از تکنیک های جدید دنیا، آن وقت ما شاهد معجزه هایی در این عرصه ها خواهیم بود.
جناب اسماعیل پور شما می توان از دل شما و متون که به هفتنامه «سلامت» قول یک گپ و گفت مفصل را داده اید که به زودی انجام می دهیم و شما و دوستان سلامت تشکر می کنم و می گویم که ما به هفتنامه «سلامت» تأثناستیم چون مطمئن خواهیم بود.
 پس از گفت و گو با دکتر اسماعیل پور که از جبهه های برجسته اسطوره شناسی در ایران و جهان هستند، سراغ تی چند از مجسمه سازان رفتم و صحبت های گوناگونی با آنها داشتیم که در ادامه می خوانید.
اسلامت: خانم دکتر صفا سبطا! گویا شما اسامیل در نمایشگاه علن جمع خاسمی داشت؟
 تعجب می کنم که کمتر روزنامه نگاری در این افتتاحیه حضور دارند. با نگاهان هفت نامه «سلامت» که ویژه پزشکی است، شما اینجا حضور دارید. **اسلامت: نگاره هفتنامه هنر و هنر، ادبیات، نگاه سلامت معنوی و روانی است. نگاره به نیازهای انسانی که موجب تند رفتن و هیروان می شود. سلامت فقط حفظ جسمی نیست، بلکه روانی هم هست.**
 ممنونم از این توضیح شما. در پاسخ شمار عرض می کنم که چند سال است با آقای علی انجام نمی می توانم. من و مهره همراه شدیم. این بیچ و مهرهها هر کدام نمادی از اخلاق، تاریخ، جغرافیا، دین، خانواده، اجتماع و... هستند که همه دست به



هنر در جامعه خیلی مهم است. مجسمه سازان باید از بستر مهمی برخوردار باشند. حالا این موقعیت برای من فراهم شده تا مدتی در این کره فضای خالی و خلایق مشاهده می شود. در این فضای خالی تقریباً از نظر مساحت نوعی تساو مشاهده می شود. این فضا حساب شده است یا اتفاقی است؟
 حتماً حساب شده است تا از نظر ترکیب بندی و عناصر بصری حس مطلوبی ایجاد کند.
چه مدتی است در کار مجسمه سازی هستید؟
 حدود ۱۵ سال.
جناب شهریار و رضایی الطاف بر ما یاد از کدام شهر آمده اید؟
 از کرمان.
نظرتان درباره نمایشگاه چیست؟
 نظر تعداد شرکت کنندگان مجسمه سازان تعداد کارهای ارائه کرده ام گام کار دوستان خود است. نمی خواهم ارزش گذارانه برخورد کنم. ولی حسن نمایشگاه دیدار دوستان است که گاهی پس از چند سال رخ می دهد و آثار همدیگر را هم می بینند. نتیجه اجتماعی است برای تبادل تجربه ها.
جناب هوم بابایی زاد شما همسب، کنار اثری از شما در نمایشگاه با نام چهارسو، یعنی از چهارسو ایران در پنجمین نمایشگاه انجمن مجسمه سازان ایران که سال گذشته این نمایشگاه برگزار شد. می توان گفت که شما در این نمایشگاه چه کارهای را انجام داده اید؟
 کار می بیند. با قیوت را خودش خورشید دریافت کند.
اسلامت: نظرتان در مورد این نمایشگاه خلاصه کلام بگوییم وضعیت مجسمه سازی در ایران چندان خوب نیست. از سویی هم به شدت بازقهای امید در حال دیده شدن هستند. احساس می کنم یک اتفاق خیلی جدی شکل خواهد گرفت. این حرکت مختص تهران باشد شهرستان نیست. جریان کلی است. فراگیر است و جای امیدواری دارد.
جناب فرزین هدایت زاده! شما در کدام شهر ایران در نمایشگاه شرکت کرده اید؟
 از کرج.
این اثر شما شبیه سلولهای است که در حال گسستن هستند.
 کاری است پیش بینی نشده. کار من است. بدون ایده هر کدام نمادی از اخلاق، تاریخ، جغرافیا، دین، خانواده، اجتماع و... هستند که همه دست به



دست هم داده اند تا کرامی که قرار است حرکت داشته باشد، آزاد باشد؛ یک زندانی مطلق است. **اسلامت: در فواصل بیچ و مهره های روی سطح کره فضای خالی و خلایق مشاهده می شود.** در این فضای خالی تقریباً از نظر مساحت نوعی تساو مشاهده می شود. این فضا حساب شده است یا اتفاقی است؟
 حتماً حساب شده است تا از نظر ترکیب بندی و عناصر بصری حس مطلوبی ایجاد کند.
چه مدتی است در کار مجسمه سازی هستید؟
 حدود ۱۵ سال.
جناب شهریار و رضایی الطاف بر ما یاد از کدام شهر آمده اید؟
 از کرمان.
نظرتان درباره نمایشگاه چیست؟
 نظر تعداد شرکت کنندگان مجسمه سازان تعداد کارهای ارائه کرده ام گام کار دوستان خود است. نمی خواهم ارزش گذارانه برخورد کنم. ولی حسن نمایشگاه دیدار دوستان است که گاهی پس از چند سال رخ می دهد و آثار همدیگر را هم می بینند. نتیجه اجتماعی است برای تبادل تجربه ها.
جناب هوم بابایی زاد شما همسب، کنار اثری از شما در نمایشگاه با نام چهارسو، یعنی از چهارسو ایران در پنجمین نمایشگاه انجمن مجسمه سازان ایران که سال گذشته این نمایشگاه برگزار شد. می توان گفت که شما در این نمایشگاه چه کارهای را انجام داده اید؟
 کار می بیند. با قیوت را خودش خورشید دریافت کند.
اسلامت: نظرتان در مورد این نمایشگاه خلاصه کلام بگوییم وضعیت مجسمه سازی در ایران چندان خوب نیست. از سویی هم به شدت بازقهای امید در حال دیده شدن هستند. احساس می کنم یک اتفاق خیلی جدی شکل خواهد گرفت. این حرکت مختص تهران باشد شهرستان نیست. جریان کلی است. فراگیر است و جای امیدواری دارد.
جناب فرزین هدایت زاده! شما در کدام شهر ایران در نمایشگاه شرکت کرده اید؟
 از کرج.
این اثر شما شبیه سلولهای است که در حال گسستن هستند.
 کاری است پیش بینی نشده. کار من است. بدون ایده هر کدام نمادی از اخلاق، تاریخ، جغرافیا، دین، خانواده، اجتماع و... هستند که همه دست به

بوده و به صورت غم انگیزی درآمده است. کار که تمام شد، نشستیم، نگاهش کردم و دیدم انگار با خاطره ی غم انگیزی همراه شده.
اسلامت: چند سال است که در کار مجسمه سازی هستید و در چند نمایشگاه شرکت کرده اید؟
 ۲۵ سال است فعالیت مدام دارم. تعداد زیادی نمایشگاههای انفرادی و جمعی داشته ام. در نمایشگاه گروهی در خارج از ایران هم شرکت کرده ام.
نمایشگاه فعلی در چه سطحی است؟
 از این نادریم.
چه مراحل طی کردید تا امروز به این سطح رسیدید؟
 من ابتدا خوشنویس بودم. بعدها با مجسمه سازی آشنا و به هنر علاقه مند شدم. بیشتر کارهایم در فرم های انتزاعی است.
جناب منصور آذری که کنار مجسمه شما ایستاده اید، نقلی فکر می بایذنه ای پر از کلید
اسلامت: معلوم نیست کدام کلید این نقل را باز خواهد کرد و این یعنی سر درگمی. شما از کدام شهر آمده اید و چند سال است در کار هنر هستید؟
 ساکی کرج هستم و ۲۵ سال فعالیت هنری دارم.
اسلامت: در این ۲۵ سال چه مراحل از فرم مجسمه سازی هم طی کردید؟
 مجسمه سازی هم یک ابزار بیان است. سعی می کنم کارهایم در هنر نزدیک کنم.
شعرها گاهی سیاسی و اجتماعی و عاشقانه و... از کار درمی آید، کار شما چه؟
 دقیقاً همین حال و هوا را دارد. هر کاری به حال هنرمندش حسنگی دارد. اگر هوا خوش باشد، عاشقانه می سازیم. اگر بارانی باشد، غم انگیز می شود.
کوچکترین مجسمه شما در چه اندازه ای است؟
 ۲۰ سانتی متر.
بزرگترین مجسمه؟
 ۶ متر.
یا چه نوع مصلحی کار می کنید؟
 با تمام مصلح کار کرده ام. رخنه گروهی می کنم. یاجور، آهن، بتن، فلز، گچ، کرم... کار می کنم.
نظرتان در مورد این نمایشگاه چیست؟
 یکی از ویژگی هایش دیدار اعضا و دوستان پس از چند سال است. با ایده های نو آشنا می شویم. کار جوان ترها را می بینیم. هنر مندان ما به آنرا هستند و این تجمعها عامل تشدید دیدار و دیدار دلتنگی هست. شب هنر مندان تجسمی همیشه آثارشان در خلوت خلق می شود و برای همین هم بیشتر تنها هستند و هر از گاهی گنجینه های میان جمع ظهور می کنند.
تاکنون چه تعداد نمایشگاه انفرادی و جمعی برگزار کرده اید؟
 حدود ۲۵ بار.
چه خارج هم شرکت داشته اید؟
 ۳ تا از کارهایم در یک مجموعه خصوصی به فرود رسیه دارم. در استرالیا هم کاری از باز پذیرفته شد که توانستم بروم. دو کار دیگر پذیرفته شد که فرستادم. برای دیدن بعضی از نمایشگاهها به خارج سفر کرده ام.
هنر معاصر مجسمه سازی مادر سطح جهان حرفی برای گفتن دارد؟
 هنر خلیه هم دارد اما ۴۰ سال است جامعه صنعتی داریم. ۴۰ سال است نمی دانند ما در چه سطحی هستیم و چه افکاری در سر داریم. زیر این فضای بسته ها که وجود داریم و کنترلها، هنر مندان خارج از کجا بلانند که ما چه حرفی برای گفتن داریم. برای آنها این نهمان شدنگی خیلی عجیب و مهم است و جنبه مکاشفه دارد. احتمالاً در آبان سال یک نمایشگاه هم در لیسبون بر تعال خواهیم داشت که به صورت گروهی خواهد بود و احتمال دارد من باشم.
تخصصیات شما در چه رشته های است؟
 کارشناس بازنشسته مخابرات هستم و لیسانس هنرهای تجسمی از وزارت ارشاد دارم.
جناب علی داوری، مجسمه ساز و مدیر نمایشگاه انجمن مجسمه سازان! انجمن چه تعداد عضو دارد؟
 ۵۱۰ نفر از سراسر ایران. بعضی از شهرستانها هم جمعیتی تشکیل داده اند. مانند تبریز که انجمن نقاشان و مجسمه سازان را دایر کرده.
شرایط عضویت در انجمن چگونه است؟
 مدتی است اسانسه انجمن تغییر کرده. قبلاً مجسمه سازی باید دانشجو مجسمه سازی بود، با فردی شغری نبود که بود، اما این نمایشگاه انتقادی داشت. بعدها که اسانسه تغییر کرد، دبیرانم هدای از دانشجوین فقط مدرک گرفتند که با مجسمه سازی را ادامه داده اند. در نتیجه نمی توانند عضو انجمن بشوند. ■



یک رویداد خارج از نمایشگاه
هر که در این سرا در آید نانش دهد و از ایمانش میبرد
 پس از ۳ ساعت برسه زدن در سالن ها و گپ و گفت با اعضا و تهیه چند عکس از آثار، ساعت ۹ از نمایشگاه و محوطه خانه هنر مندان خارج شدیم. کنار باده رو، روی سکو سید جای بود و خامی محبیه و متین کنارش ایستاده بود. فکر کردم چقدر خوب است چنین خانمی برای گذران و کمک به خانواده جای می فرود شد. خوبت برای رفع خستگی با نوشیدنی جای، من هم سبھی در کار او داشته باشم. گفتیم یک لیوان چای لطف می کنید؟ گاهی کرد و گفت آب جوش می خواهد؟ گفتم یک لیوان چای که گاهی کیسه های داریم. اول تعجب کرد که بنده چای پرورش سیر چای کیسه ای را کنار گذاشته و از جای دمکرده استفاده می کند؟ چیزی نگفتم. خانم سر سید را باز کرد. فلاسک را در آورد. در این هنگام آقای جوانی با پسرشیک و نوجوان کنارمان ایستاد. خانم گفت این آقای جوانی می خواهد. فکر کردم آقا کارش خرابی رومی است. آقای جوانی شیشه ای درآورد که موجب خوشحالی من شد که از شرت لیوان پلاستیکی خلص شد. جام را پس انداختیم. خانم به آقا دادیم. گفت خسته است. به خانم دادم. گرفت و خندید. خانم با پسر و پسر بزرگ رفتند و آقا ماند تا من با آرامش شام را بخوردم. در پایان گفت ما خانواده هستم که برای استراحت به پارک می رویم. من چقدر شرمه شده شدم که چرا چنان چنین تصور اشتباهی شدم و چقدر احساس خوبی داشتم که خانوادگی بدون پرس و جو به من استکفائی جای تعارف کردند. به یاد سخن ابوالحسن خرقانی افتادم که گویند بر درگاه خاندان نوشته بود هر که در این سرا درآید نانش دهد و از ایمانش میبرد. ■